

کنعانی:حمله به یمن تعارض آشکاری با ادعاهای مکرر واشنگتن و لندن دارد



سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: حمله نظامی به کشورهای منطقه تعارض کاملاً آشکاری با ادعاهای مکرر واشنگتن و لندن دارد که می‌گویند خواستار گسترش جنگ و درگیری در منطقه نیستند.

به گزارش خبرگزاری مهر، «ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت امور خارجه حملات هوایی و موشکی آمریکا و انگلیس به شهرها و مناطق مختلفی در یمن را به شدت محکوم کرد. وی این حملات را نقض مکرر حاکمیت و تمامیت ارضی یمن و نقض فاحش حقوق بین‌الملل توسط آمریکا و انگلیس دانست و افزود: تداوم اینگونه اقدامات خودسرانه، یک ماجراجویی آشکار و تهدیدی نگران کننده برای صلح و امنیت بین‌المللی است. سخنگوی دستگاه دیپلماسی افزود: ماجراجویی‌های نظامی آمریکا و انگلیس در حمله نظامی به کشورهای منطقه ادامه سیاست و رویکرد اشتباه این دو کشور در استفاده از رویکرد نظامی گری برای پیشبرد اهداف نامشروع آنان در منطقه بوده و تعارض کاملاً آشکاری با ادعاهای مکرر واشنگتن و لندن دارد که می‌گویند خواستار گسترش جنگ و درگیری در منطقه نیستند. سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: آمریکا و انگلیس در تداوم حمایت تمام عیار خود از جنایات جنگی رژیم صهیونیستی، با اقدامات نظامی خود در سطح منطقه، در حال دامن زدن به هرج و مرج، بی نظمی، ناامنی و بی‌ثباتی با هدف ایجاد فضای تنفسی برای این رژیم جنایت پیشه و متهم به نسل کشی فلسطینیان هستند و بی تردید جامعه بین المللی برای پاسخگو کردن آمریکا و انگلیس مسؤولیت دارد.

با امضای رییس جمهور؛

لایحه ساماندهی پهپادهای غیر نظامی به مجلس رفت

رییس‌جمهور **لایحه ساماندهی پهپادهای غیر نظامی را برای بررسی و تصویب در مجلس شورای اسلامی به صورت عادی به رییس قوه مقننه ارسال کرد.**

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام سید ابراهیم ریسی رییس جمهور طی نامه‌ای به محمدباقر قالیباف رییس مجلس شورای اسلامی لایحه ساماندهی پرنده‌های هدایت پذیر در دور (پهپاد) غیرنظامی را در ۲۷ ماده که در جلسه ۲۲ آذر امسال هیأت وزیران به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروی‌های مسلح به تصویب رسیده بود را برای بررسی و تصویب در مجلس به صورت عادی ارسال کرد.

در مقدمه توجیهی این لایحه لزوم ساماندهی پهپادهای غیرنظامی با توجه به نیاز روزافزون آنها در صنعت، کشاورزی، خدمات و علم و فناوری با توجه به امکان استفاده دو گانه از این وسایل پرنده گوشزد شده است.

برخی مواد این لایحه به این شرح است:

– پهپادهای غیر نظامی در مواردی چون تصویربرداری، امداد و نجات، راه و شهرسازی، محیط زیست، بست و ارتباطات، اکتشاف معادن، کنترل خطوط آب، گاز، برق و راه آهن، مدیریت بحران و بلایای طبیعی و … استفاده می‌شود.

– حداکثر ارتفاع پهپادهای غیر نظامی ۵۰۰ متر از سطح زمین است.

– مسئولیت دبیرخانه صدور مجوز فعالیت، تولید یا واردات پهپادهای غیرنظامی را سازمان هواپیمایی کشوری است. کارگروه مربوطه نیز شامل وزارت خانه‌های راه، صمت، دفاع، کشور، اطلاعات و نیز قراگه پدافند هوایی خاتم، اطلاعات سپاه، فراجا، ستاد کل نیروهای مسلح و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری خواهد شد

– واردات پهپاد غیرنظامی و قطعات آن ممنوع است مگر در مواردی که مشابه داخلی نداشته و با هماهنگی معاونت علمی فناوری ریاست جمهوری برای انتقال فناوری انواع خارجی این وسیله پرنده باشد.

– واردات و صادرات پهپاد و قطعات آن بدون اخذ مجوزهای مربوطه، قاچاق کالا محسوب می‌شود و مرتکبان آن مشمول جرایم مندرج در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌شوند. خرید و فروش پهپاد های غیر نظامی که اسناد مالکیت نداشته باشند، مشمول جرایم مندرج در قانون تعزیرات می‌شوند.

اخبار

شماره ۶۰۹۷ / سال ۲۷ / دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ / ۲۴ رجب ۱۴۴۵ / 5 February 2024

روایتی از روزهای مبارزه

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: بازجوی ساواک دوست کودکی‌ام بود



آن‌ها گذاشت.

پس از آن‌ها گفتیم من تازه از زندان آدم‌ها و می‌خواهم مانند سایر زندانیان با آقا ملاقات کنم. آن‌ها با یکدیگر اختلاف‌نظر پیدا کردند. بالاخره توافق کردند که به من اجازه دهند فقط برای چند دقیقه وارد شوم. در زدم. حاج آقا مصطفی – فرزند امام – در را باز کرد و از دین من دچار شگفتی شد. از من پرسیدی: کی آزاد شدیدی؟ گفتیم: دو روز پیش! وارد یکی از اتاق‌ها شدم و آقا را در برابر خود یافتیم. احساساتی که در دلم محسوس مانده بود غلیان کرد. عواطفم در برابر امام سرریز شد. برای آقا وضع امت و دوستان را در غیاب ایشان بیان کردم و اظهار داشتم که موسم رمضان امسال بدون یازده به هدر رفت و لذا باید از هم‌اکنون برای موسم محرم برنامه‌ریزی کنیم.

در سال ۱۳۴۶ مجدداً توسط ساواک بازداشت و زندانی شدم. یک روز پسرم مصطفی را که دو ساله بود به زندان آوردند. یکی از سرزنان دوان‌دوان آمد و گفت پسر شما را آورده‌اند. به در زندان نگاه انداختم دیدم یکی از افسران، مصطفی را بغل گرفته و به سوی من می‌آید. مصطفی را گرفتم و پرسیدم: کودک به‌علت اینکه مدتی طولانی از دور بودم، مرا نشناخت؛ لذا با چهره‌ای گرفته و اخم‌کرده به من نگریست. سپس زور دزد گریه به‌شدت می‌گریست. نتوانستم او را آرام کنم. لذا او دوباره به افسر دادم تا به همسرم و بقیه – که اجازه دیدار با من را نداشتند – بازگرداند. این امر به قدری مرا متأثر ساخت که تا چند روز بعد زند همچنان دل‌آزرده بودم.

مبارزه و همراهی همسر

با آن‌که خانه ما بارها مورد یورش ذرخیمان واقع شد، و با آن‌که من بارها در برابر او بازداشت شدم، و حتی در نیمه‌شب که برای دستگیری من به خانه ما ریختند، مورد ضرب و جرح واقع شدم، علیرغم همه این‌ها، من هیچگاه ترسی یا ضعفی یا افسردگی و ملالتی در همسرم مشاهده نکردم. با اعتماد و اطمینان عالی و قوی در زندان به ملاقات من می‌آمد. در این ملاقات‌ها، به من اموال و اطمینان میداد. هرگز نشد وقتی من در زندان بودم، خبر نراحت‌کننده‌ای به من بدهد. به یاد ندارم که مثلاً خبر بیماری یکی از فرزندان را به من داده باشد؛ یا مطلبی را که برام ناخوشایند باشند، درباره‌ی خانواده و بستگان و والدین گفته باشد. همچنین باید به صبر و شکیبایی فراوان او در تحمل سختی و مشقت زندگی در دوران پیش از انقلاب، و اصبر او در سادهم‌زیستی در دوران پس از انقلاب اسلامی اشاره کنم.

رفتار عجیب یک دوست نزدیک

از یکی از موارد بعد از آزادی از بازداشت ساواک [از بازگشت به منزل برای اشراف به زیارت حضرت رضالیه(علیه‌السلام) و نماز در مسجد گوهرشاد به حرم رفتن، رفوقت بود و ضمن تقریباً خالی بود. از دور دو تن از دوستان و هم‌درس‌های خود را دیدم که با یکی از آن‌ها علقه خاصی دارم. از این تصادف بسیار خوشحال شدم زیرا انتظار نداشتم کسی که در آنجا بیستیم با شوق دیدار چهره‌هایی که زندان، میان من و آنها فاصله نداشته بود به سوی آن دو رفتم.

۲

انتظار داشتم آنها هم به محض دیدن من به سویم بیایند و بعد از این مدت جدایی از دیدار من خوشحال شوند. به طرف آن‌ها رفتم و نزدیکشان رسیدم. می‌خواستم سلام کنم که دیدم از من رو می‌گردانند. گویی یکی از آن دو به دیگری گفته بود او اکنون از زندان خارج شده و شاید تحت نظر است پس از او دوری کنیم! این برخورد سخت مرا متأثر کرد. من این‌گونه بر خودرها را از برخی روحانیون فراوان دیده‌ام در حالی که به‌عکس آن‌ها، جوانان اعم از طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه در مواقعی که به زندان می‌افتاد بیشتر دور مرا می‌گرفتند.

شکنته‌گری که زندانی شد!

پنج شش ماه پس از پیروزی انقلاب، طِبْ مأموریتی از تهران به شهر خود مشهد آمدم. در آن هنگام عضو شورای انقلاب و نماینده شورای انقلاب در وزارت دفاع و نماینده امام در تعدادی از سازمان‌های کشور بودم. مقامات مشهد از من خواستند تا از ساختمان «کمیته مرکزی انقلاب» بازدید کنم. کمیته‌های انقلاب در آن زمان اداره بیشتر امور شهرهای ایران را بر عهده داشتند. ساختمان «حزب رستاخیز» در مشهد برای این منظور انتخاب شده بود. به من گفتند: آخرین طبقه این ساختمان در حال حاضر مخصوص زندانیان خطرناک است. اسامی آن‌ها را ذکر کردند و من بیشترشان را می‌شناختم. یکی‌شان از شکنته‌گران من در پنجمین زندان بود و من از گستاخی‌ها و وفاحتش در آن زمان خیلی چیزها به یاد داشتم.

تو یوسف می‌شوی!

در یساد من خواب‌های جیبی مانده یکی به گمانم مربوط به سال ۱۳۴۶ یا ۱۳۴۷ باشد. در آن زمان وضع سیاسی مشهد در نهایت شدت و سختی بود و اسلام‌گرایان دچار گرفتاری و محنت زیادی بودند. چنان‌که جز چند تن از رفقا با من در میدان باقی نماندند و بقیه ترجیح دادند عرصه مبارزه را رها کنند. در آن شرایط، خواب دیدم که حضرت امام خمینی(ره) وفات کرده و جنازه ایشان در یکی از خانه‌های مشهد واقع در نزدیکی خانه پدر من روی زمین است. غم و اندوه وجودم را فرا گرفته بود. تابوت را روی دوش گرفتم. جمعیت انبوهی هم در پی جنازه به حرکت در آمدند که در میان آن‌ها شمار بسیاری از علما بودند و من هم با آن‌ها حرکت می‌کردم.

با صدای بلند می‌گریستم و از شدت تألم و تأثر با دست روی زانوی خود می‌زدم. چیزی که بر درد من می‌افزود این بود که می‌دیدم برخی علما بدون اینکه توهی بکنند و عبرتی بگیرند و بی‌انکه احساس اندوهی در آنها مشاهده شود با هم صحبت می‌کنند و می‌خندند! جنازه به آخر شهر رسید. بیشتر تشییع‌کنندگان بازگشتند اما جنازه راه خود را در بیرون از شهر ادامه داد. بیست سی تشییع‌کننده همچنان در پی جنازه حرکت می‌کردند. بیشتر تشییع‌کنندگان در پایین تپه ماندند. جنازه به همراه چهار پنج تشییع‌کننده به سمت بالای تپه رفت که من هم با آن‌ها به دنبال جنازه بودم. تابوت را بالای تپه قرار دادیم. من به پایین با نزدیک شدم تا درحالی که چهره حضرت امام را می‌بینم، با او وداع کنم.

ناگهان دیدم دست راست ایشان که انگشت سیبایی آن به حالت اشاره بود به سمت بالا حرکت می‌کند تا اینکه انگشت اشاره‌ش به پیشانی من رسید و آن لمس کرد یا تودلی من کرد. با شگفتی و حیرت نگاه می‌کردم. لب‌هایش را گشود و دو بار گفت: تو یوسف می‌شوی… تو یوسف می‌شوی! خوابم را برای خیلی از بستگان و دوستان نقل کردم از جمله برای مادرم (رحمه‌الله‌علیها) که فوراً آن را چنین تعبیر کرد: بله یوسف خواهد شد به این معنی که همواره در زندان خواهی بود!

ضویت در شورای انقلاب چندی ماه بعد از تبعید

آمهر ۱۳۵۷) در یزد بودم که شهید امام به پاریس عزیمت کرده‌اند. از یزد با هواپیما به تهران و از آن‌جا به مشهد رفتم. در مشهد ماندم و مشغول فعالیت‌های انقلابی بودم تا اینکه به فرمان امام راحل برای حضور در شورای انقلاب به تهران فراخوانده شدم. روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انقلاب به پیروزی رسید. در اواسط سال ۱۳۶۰ به ریاست جمهوری انتخاب شدم. فاصله میان آزادی من از تبعید تا ضویت در شورای انقلاب حدود چهار ماه بود. همچنان‌که بین آزادی و انتخاب به ریاست جمهوری، سه سال فاصله شد.

خوابیم یا بیدار؟!

در آن روزها ما در یک حالت بهت بودیم. در حالی که در همه فعالیت‌های آن روزها ما طبعاً داخل بودیم. همان‌طور که می‌دانیم ما عضو شورای انقلاب بودیم و یک حضور دائمی تقریباً وجود داشت. لکن یک حالت نابوری و بهت بر همه‌ی ما حاکم بود. من یک چیزی بگویم که شاید شما تعجب بکنید.

من تا مدتی بعد از ۲۲ بهمن هم که گذشت بودم بارها به این فکر می‌افتمد که ما خوابیم یا بیدار. و تلاش می‌کردم که از خواب بیدار شوم. یعنی اگر خواب هستم، این رویای طلایی که بعدش لابد اگر آدم بیدار شود هر چه قدر خوابود خود خیلی ادامه پیدا نکند، اینقدر برای ما شگفت‌آور بود مسئله.

ضرورت حفظ اکوسیستم تنها تالاب بین المللی آذربایجان شرقی در سایه خواب ارگان های مسئول به روایت "عصر آزادی"

حال ناخوش قوری گول!

◀ عصر آزادی / شهرام صادق زاده

آذربایجانی‌ها از دهه های قبل به یاد دارند که روزگاری در کنار تفرجگاه های طبیعی مانند دریاچه اورمیه، تالاب قوری نیز در فصول مختلف سال پذیرای آنان بوده و در فرصت های مناسب، استراحت در ساحل این پهنه آبی لذت بخش می توانست خستگی را از تنشان به در کند اما حالا چه؟!

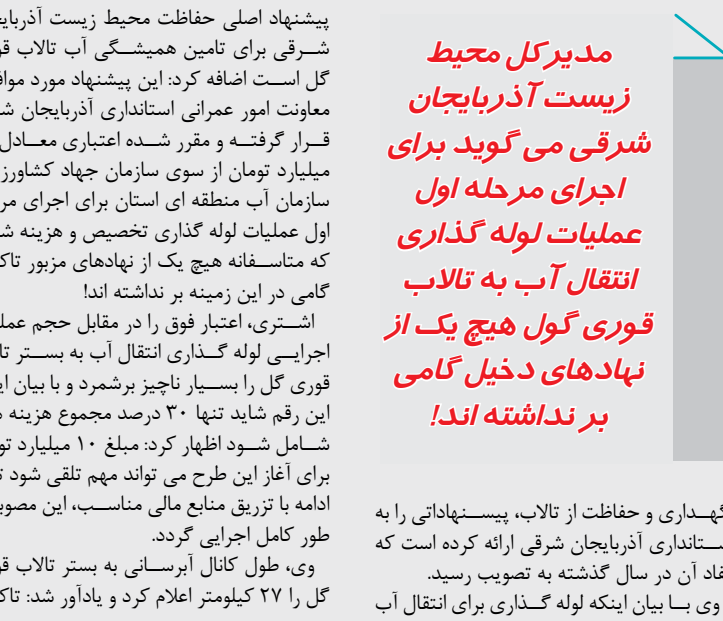
از سالهای اخیر زرمزه انتقال آب به پیکره تالاب قوری گول مطرح شده است اما سال گذشته پدیده خشکسالی و سرمای بیش از حد زمستان در این منطقه، انتقال آب به تالاب را غیرممکن کرد و به همین علت پیشنهاد انتقال آب از طریق لوله مطرح شد که از طریق آن پرت آب کاهش یافته و در فصل زمستان نیز امکان انتقال آب، بدون یخ زدگی میسر



های روان و نیز پدیده تبخیر آب، تامین آب تالاب با مشکلات اساسی روبرو می شود.
شهنام اشتری راهکار اصلی، علمی و با کمترین چالش برای تامین آب تالاب قوری گول را انتقال



گردد که گویا تخصیص هزینه انتقال آب جزو اولویت های ارگانهای ذیربط واقع نشده و معلوم نیست عملیات لوله گذاری چگونه باید صورت گیرد! هر چند که همواره تاکید شده که تالاب قوری گول عنوان تنها تالاب بین المللی آذربایجان شرقی را یدک می کشد و چندین گونه پرند و پستاندار از جمله اردک سرسفید که تنها زادگاه اوست و حفظ آن با همکاری همگانی امکان پذیر است اما گویا برخی از سازمانها از اهتمام برای حفظ جایگاه این پهنه آبی آذربایجان طفره می روند و با این فرمانی که در دست آنهاست باید فاتحه این تالاب را خواند مگر اینکه معجزه ای رخ دهد، بیچاره اردک سرسفید که قوری گول محل تولد اوست و حیاتش به تصمیمات ما بستگی دارد…



پیشنهاد اصلی حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی برای تامین همیشگی آب تالاب قوری گل است اضافه کرد: این پیشنهاد مورد موافقت معاونت امور عمرانی استانداری آذربایجان شرقی قرار گرفته و مقرر شده اعتباری معادل ۱۰ میلیارد تومان از سوی سازمان جهاد کشاورزی و سازمان آب منطقه ای استان برای اجرای مرحله اول عملیات لوله گذاری تخصصی و هزینه شود که متاسفانه هیچ یک از نهادهای مزبور تاکنون

گامی در این زمینه بر نداشته اند! اشتری، اعتبار فوق را در مقابل حجم عملیات اجرایی لوله گذاری انتقال آب به بستر تالاب قوری گل را بسیار ناچیز برشمرد و با بیان اینکه

این رقم شاید تنها ۳۰ درصد مجموع هزینه ها را شامل شود اظهار کرد: مبلغ ۱۰ میلیارد تومان برای آغاز این طرح می تواند تلقی شود تا در ادامه با تزریق منابع مالی مناسب، این مصوبه به طور کامل اجرایی گردد.

وی، طول کانال آبرسانی به بستر تالاب قوری مغان در سال گذشته به تصویب رسید.

وی با بیان اینکه لوله گذاری برای انتقال آب